



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



یهود و پیامبر (ص)

مرتضی شیرودی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یهود و پیامبر (ص)

نویسنده:

مرتضی شیرودی

ناشر چاپی:

مرتضی شیرودی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	یهود و پیامبر (ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	سرآغاز
۶	یهود مهاجر
۷	حوزه کارشکنی
۱۰	نمونه هایی از کارشکنی های اعتقادی و اقتصادی یهودیان علیه پیامبر
۱۱	علت های دعوا
۱۳	نتایج کار
۱۴	گام های برخورد
۱۵	سرانجام
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

یهود و پیامبر (ص)

مشخصات کتاب

نویسنده: مرتضی شیرودی

ناشر: مرتضی شیرودی

سر آغاز

بشر برای تکامل خود نیاز به راهنما دارد، لذا خداوند متعال پیامبرانی را برای هدایت بشر در طول تاریخ برگزیده است، تا آنان را به سعادت برسانند. حضرت موسی (ع) هم به همین دلیل مبعوث شد، اما پیروان او در طول تاریخ برای سود دنیوی خود این دین را تغییر داده و تحریف کردند، حتی یهودیان با آنکه نشانه‌های پیامبر اکرم (ص) را در تورات خوانده بودند و منتظر ظهور او بودند، ولی بعد از بعثت دست به کارشکنی زدند، چون آرمانها و دستورات اسلام با منافع دنیوی آنها مخالف بود. با مروری بر عملکرد یهود در عصر نبوی، می‌توان به حوزه‌های کارشکنی یهود علیه پیامبر اکرم (ص)، علل و پیامدهای این کارشکنی پی برد:

یهود مهاجر

در باره علت مهاجرت یهودیان به جزیره العرب نظریه‌های مختلفی وجود دارد، از جمله: ۱- حمله پادشاه آشور، بخت النصر یا نبوکد نصر، به فلسطین و آواره شدن یهود از دیار خود که بخشی به جزیره العرب کوچ کردند. ۲- در ۷۰ میلادی با حمله تیتوس و خرابی معبد یهود، تعدادی از آنها از فلسطین آواره شدند، عده‌ای هم در سال ۱۳۲ میلادی در اثر شکنجه‌ها و آزار آدریان رومی به این ناحیه مهاجرت کردند. ۳- در اثر تماس بازرگانانی که در زمان حضرت سلیمان (ع) و پس از او به کشور سبا سفر می‌کردند، مردم جزیره العرب با رسم و آیین یهود آشنا شدند. ۴- در اثر تخطی گروهی از بنی اسرائیل از فرمان پادشاه شان از کشور خودرانده شدند و به حجاز رفتند، به نظر یهودیان این اتفاق در عصر طالوت رخ داده است. ۵- بر اساس داستان دیگر، یهودیان از فرزندان داوود پیامبرند که در پی قتل یکی از فرزندان حضرت داوود (ع) به جزیره العرب گریختند. ۶- عده‌ای می‌گویند یهود در سپاه نبونید، پادشاه بابل بوده‌اند که به جزیره العرب وارد شدند، اما آثار نبونید این موضوع را تایید نمی‌کند. ۷- در اثر افزایش جمعیت یهود در فلسطین، ایشان به دنبال چراگاه به سرزمین‌های مجاور مثل مصر، عراق و جزیره العرب کوچ کردند. ۸- در بعضی روایات آگاهی یهود از ظهور پیامبر جدید در جزیره العرب باعث مهاجرت یهود به این منطقه شده است. البته تمام این موارد در حدیکه نظریه است، زیرا هیچ مدرک مکتوبی از گذشته یهود در جزیره العرب وجود ندارد. در مورد اینکه یهود مدینه بومی هستند یا اصیل، روایات مغشوش و پراکنده است، اما به نظر می‌رسد از هر دو گروه بومی (عرب یهودی شده) و اصیل (ازنژاد بنی اسرائیل) در مدینه ساکن بوده‌اند. گروهی عقیده دارند؛ یهودیان مدینه به این طریق یهودی شده‌اند که زنان جاهلی برای فرزنددار شدن نذر می‌کردند، فرزندانشان را یهودی کنند، البته این گروه پس از بعثت بعد از مسلمان شدن، فرزندانشان را مجبور می‌کردند مسلمان شوند، در این هنگام آیه - لا- اکراه فی الدینِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (بقره ۲) - نازل شد و به آنها تذکر داد که در دین هیچ اجباری نیست. البته اوضاع سیاسی و اجتماعی یهود در مدینه به این صورت بود که قبل از اینکه قبایل اوس و خزرج از سرزمین سبا وارد مدینه شوند، یهودیان به تنهایی کنترل اوضاع سیاسی و اقتصادی مدینه را در دست داشتند، اما بعد از آمدن قبایل اوس و خزرج به مدینه، یهودیان موقعیت خود را در خطر دیدند، ناچار با این قبایل پیمان بستند، البته یهود در این پیمان از موقعیت پایین

تری نسبت به اوس و خزرج برخوردار بودند. از نظر فرهنگی یهودیان شبیه اعراب بودند. افراد باسواد آنها از علمای مذهبی بودند. یهودیان برای اینکه کنترل اقتصادی را در دست بگیرند بین دو قبیله اوس و خزرج تفرقه می افکندند. رسول خدا (ص) هم که وارد مدینه شد، از موضع سیاسی یهود اطلاع داشت، به همین علت با یهودیان داخل و خارج مدینه پیمان صلح بست تا برای مبارزه با مشرکین نیروی خود را متمرکز کند. بر اساس پیمان نامه یهودیان در دین خود آزاد بودند، اما موظف به پرداخت جزیه بودند، همچنین یهودیان و مسلمانان موقع حمله دشمن باید با هم متحد می شدند.

حوزه کارشکنی

حوزه ها و قلمروهای کارشکنی یهود را می توان در ابعاد زیر بررسی کرد: ۱- مهم ترین عرصه کارشکنی های یهود علیه پیامبر، در عرصه نظامی است. به بیان عمیق تر: بر اساس مدارک و اسناد معتبر یهودیان در طول تاریخ، پیامبران زیادی را آزار رسانده و کشته اند، حتی آنان پیمان خود با پیامبر (ص) را شکستند و برای حفظ منافع دنیوی خود به کارشکنی پرداختند، عده ای ظاهراً مسلمان شدند ولی به جاسوسی پرداختند و از کمک رساندن مسلمین به پیامبر جلوگیری کردند. در این موقع آیه ۱۱۸ سوره آل عمران نازل شد. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَيْتُمْ. قَدْ يَدَّتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ*. خداوند در این آیه دستور می دهد مسلمانان راز خود را در بین بیگانگان افشا نکنند، خداوند در این آیه از باطن دشمنان خبر می دهد و یادآوری می کند که آنها شایسته دوستی نیستند، و به این صورت نقشه یهودبر هم ریخت. نمونه ای از جاسوسی یهودیان، در جنگ احزاب است. آنها با وجود داشتن پیمان با مسلمانان به صورت ستون پنجم، سپاه ده هزار نفری احزاب (قبایل چندگانه عرب و یهود) را یاری کردند. وقتی احزاب شکست خوردند، پیامبر (ص) بر اساس مفاد پیمان نامه با آنها رفتار نمودند. رفع اختلافات بین دو قبیله اوس و خزرج (اختلافات ۲۰ ساله) از مشکلات رسول خدا (ص) بعد از هجرت به مدینه بود. بعد از صلح این دو، یهود شروع به تفرقه افکنی کردند، اما پیامبر مردم را هوشیار نمودند و دوباره صلح را برقرار کرد. آیه ۱۰۰ سوره آل عمران در این باره است و مسلمانان را از اطاعت از اهل کتاب منع می کند. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّكُمْ بِغَيْدِ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ*. به نظر نویسنده کتاب، این آیه خطاب به تمام مسلمانان در همه زمانهاست و آنها را از توطئه دشمن آگاه می کند، اما مصداق این آیه در اوایل هجرت مسلمانان به مدینه، مشرکان و یهودند. آن ها از راههای مختلف به پیامبر فشار می آوردند، از جمله جنگهای بدر و احد با مشرکین و درگیری با قبایل بنی قینقاع و بنی قریظه و یهود خیبر، مقاومت در برابر این فشارها فقط با الطاف الهی و کمک های غیبی ممکن شد. از جمله کارهای که یهود برای کارشکنی انجام دادند، ایجاد ناامنی و فتنه بود. بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر یهود بنی قینقاع از شدت ناراحتی شروع به فتنه انگیزی و گفتن شعارهای توهین آمیز کردند. رسول خدا (ص) در پاسخ، نشانه های پیامبری خود در تورات را گوشزد نموده و آنها را بیم داد، بنی قینقاع به جای عبرت گرفتن، قدرت نظامی خود را به رخ پیامبر کشیدند و او را تشویق به جنگ کردند، پیامبر (ص) سکوت کرد، اما مسلمین منتظر فرصت انتقام بودند. آیات ۱۲ و ۱۳ سوره آل عمران نازل شد و شکست زود هنگام یهودیان و محصور شدن آنها در جهنم را خبر داد. یهودیان بنی قینقاع به فتنه انگیزی ادامه دادند چنانکه در شوال سال دوم هجری جوانی از بنی قینقاع به زنی مسلمان توهین کرد، زن مسلمان تقاضای کمک نمود. مردی مسلمان آن جوان یهودی را کشت، در عوض یهودیان نیز او را به قتل رساندند، در ادامه یهودیان به قلعه های خود رفته و آماده جنگ شدند. پیامبر (ص) پس از فتح قلعه دستور داد آنها از مدینه خارج شوند. قبیله دیگر یهودیان بنی نضیر با طرح نقشه قتل پیامبر پیمان را شکستند. خداوند پیامبر را از نقشه آنان آگاه کرد و توطئه آنها بی نتیجه ماند. یکی از یهودیان به نام کنانه بن صویرا گفت: قسم به تورات او پیامبر خداست که نشانه هایش در تورات آمده است، یهودیان به سخنان او توجهی نکردند، به این صورت قبیله ای دیگر از یهودیان دشمنی خود را

با پیامبر آشکار کرد. پیامبر (ص) در پاسخ به این خیانت قصد جنگ با آنها را داشت، در نتیجه آنها را باید مسلمان می‌شدند و یا وطن خود را ترک می‌کردند، آنها از شدت تعصب ترک وطن را انتخاب کردند. بعضی از مفسرین شأن نزول سوره حشر را این اتفاق می‌دانند. خداوند در این سوره مجازات این عده را ترک وطن معرفی می‌کند و می‌فرماید: اگر خداوند این مجازات را تعیین نکرده بود علاوه بر عذاب دنیا در آخرت هم مجازات می‌شدند. در ادامه کارشکنی‌های سران یهود با قبایل دیگر و بت پرستان، احزابی را تشکیل دادند و در مقابل مسلمانان قرار گرفتند و مخالفان را از نظر نظامی و اقتصادی یاری کردند. سران یهود مردم عادی یهودی را با حيله تحریک به مخالفت و کارشکنی کردند. سران قبیله بنی‌نضیر که در اثر خیانت اخراج شده بودند عده‌ای به شام و گروهی به خیبر رفتند، سپس این دو دسته به مکه رفته و قریش را بر ضد پیامبر شورانیدند. در نتیجه می‌توان گفت، سران بنی‌نضیر و عده‌ای از بنی‌وائل زمینه جنگ احزاب را ایجاد کردند. نقشه جنگ احزاب که برای نابودی اسلام طراحی شده بود در تاریخ اعراب بی‌نضیر است. سران بنی‌نضیر با تطمیع و تحریک قبایل مختلف یهودی و بت پرست، سپاه ده هزار نفری گرد آوردند که به صورت سه لشکر به طرف مدینه حرکت کردند. وقتی به مدینه رسیدند، خندقی اطراف شهر دیدند که هیچ کس نمی‌توانست از آن عبور کند. بعضی‌ها می‌گفتند این طرح عرب نیست، پیشنهاد یک ایرانی است. وقتی دیدند عبور غیر ممکن است، اردو زدند، چند بار حمله کردند، اما مسلمانان مقابله کردند. آنها یک ماه بی‌نتیجه آنجا ماندند، در نتیجه با سران بنی‌قریظه ارتباط برقرار کردند و آنها را تحریک به پیمان شکنی کردند تا از داخل مدینه با مسلمانان درگیر شوند و سپاه کفر بتواند از خند عبور کنند. ابتدایی قریظه قبول نمی‌کردند، اما با پافشاری مداوم سران کفر و یهود پذیرفتند. از بین آنها پیرمرد یهودی تذکر داد که: اگر این محمد (ص) همان پیامبری باشد که در تورات وعده داده شده، هیچ سپاهی توان مقابله با او را ندارد، ولی حی بن‌اخطب (یکی از سران یهود) گفت محمد (ص) از فرزندان اسماعیل است اما آن پیامبر که در تورات نام برده شده از بنی‌اسرائیل می‌باشد. بنی‌قریظه بعد از پیمان شکنی چاره‌ای جز جنگ با پیامبر نداشتند، پس به وسایل مختلف کار شکنی کردند. پیامبر (ص) به مسلمانان مژده پیروزی داد. بنی‌قریظه نقشه کشیدند که با دوهزار نفر به شهر حمله کنند و آن را غارت کنند. پیامبر (ص) پانصد نفر را مأمور کرد در شهر بگردند و تکبیر بگویند تا زنان و کودکان آرامش یابند. خداوند در آیه ۱۰ سوره احزاب این حادثه را وصف می‌کند و می‌گوید که از شدت ترس مسلمانان چشمانشان خیره و جانهایشان به لب رسیده بود. اِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا. در این موقع نعیم ابن مسعود که یک یهودی تازه مسلمان شده بود، یک نقشه تاکتیکی ارائه داد. بوسیله این نقشه بین گروههای یهودی و بت پرستان درگیری ایجاد شد، هر گروه از جنگ صرف نظر کردند و عقب نشینی نمودند. خداوند بوسیله جبرئیل به پیامبر وحی کرد که بنی‌قریظه را تنبیه کند. پیامبر هم طبق پیمان نامه با آنها رفتار کرد. ۲- برخی از کارشکنی‌های یهودیان علیه پیامبر را باید در عرصه فرهنگی جستجو کرد، از جمله: از برنامه‌های دین اسلام، کنترل افراد سودجو و منفعت طلب است برای همین، این افراد برای شکست اسلام به کارشکنی فرهنگی پرداختند، به طور مثال در مسائل اعتقادی، یهودیان از بی‌نیازی خداوند آگاهی داشتند با این وجود نسبت فقر به خدا دادند که این کار جزو گناهان بزرگ هم ردیف قتل انبیاء است، لذا خداوند وعده عذاب سوزان را به آنها می‌دهد. لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ. (آل عمران / ۱۸۱). در شأن نزول این آیه آمده است که وقتی خداوند مردم را دعوت به خواندن نماز و دادن زکات کرد، یهودیان گفتند خدا فقیر و تنگدست است، اما ما که روزی را بر اهل خود توسعه دادیم غنی هستیم. این تهمت‌ها و توهین‌ها از طرف مردمی که انبیاء را کشته‌اند، دور از ذهن و عجیب نیست. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: شاید این سخنها به علت دیدن فقر عمومی مسلمانان و برای طعنه و زخم زبان به آنها بوده است. حيله فرهنگی دیگر این بود که یهودیان گفتند: قرآن همان مطالب تورات است که تحریف شده و دیگر اینکه در قرآن تناقض‌هایی وجود دارد. آنها با این شبهات می‌خواستند مؤمنین را گمراه کرده و

اعتقاداتشان را سست کنند، در حالی که خودشان گمراه شدند، و لذا وقتی که به این کار شوم سرگرم شدند، دیگر نتوانستند در حق و حقیقت به جستجو پردازند. عده ای از بزرگان انصار که قبل از بعثت با یهودیان رابطه دوستی داشتند به آنها گفتند: شما قبل از بعثت نشانه های پیامبر و ظهورش را به ما می گفتید، پس از مخالفت با پیامبر دست بردارید و از عذاب خدا بترسید، اما یهودیان گفتند: هرگز بعد از موسی پیامبری مبعوث نشده و کتابی نازل نشده است. وقتی عده ای از مشرکین از یهودیان درباره دین جدید یعنی اسلام راهنمایی خواستند آنها به علت کینه و دشمنی با پیامبر گفتند: دین شما بهتر و قدیمی تر است و شما هدایت یافته ترید. حتی خود یهودیان اعتراف می کنند که این لکه ننگ بر دامن یهود است. نویسنده یهودی در کتاب تاریخ یهود و عربستان می گوید: هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطایی را مرتکب شوند، هر چند قریش با تقاضای آنان موافقت نکنند. هرگز صحیح نبود ملت یهود به بت پرستان پناه ببرند، زیرا این رفتار با تعلیمات تورات موافق نیست. از دیگر کارهای یهود این بود که عده ای را مامور کردند، تا صبح، ایمان بیاورند و شب از ایمان خود بازگردند، زیرا تازه مسلمانان می دانستند که علمای یهود با ادیان الهی و پیامبران آشنایی کامل دارند. با این وسیله می خواستند در دل کسانی که ایمانشان سست بود، تردید به وجود بیاورند. در تفسیر قمی از امام باقر (ع) نقل شده است؛ وقتی قبله مسلمانان از بیت المقدس به مکه تغییر کرد، یهودیان خشمگین شدند و گفتند شما ای یهودیان به آنچه در آخر روز نازل شده است (تغییر قبله به طرف کعبه) کافر شوید، تا شاید مسلمانان به قبله ما برگردند. نقشه دیگر یهودیان این بود که خواستند خود پیامبر را منحرف کنند. آنها نزد پیامبر رفته و گفتند: بین ما و قبیله دیگر اختلافی افتاده است، اگر از ما، حمایت کنی مسلمان می شویم، اما پیامبر (ص) بر اساس دستور خداوند و آیه ۴۹ سوره مائده عمل کرد، در این آیه چند نکته وجود داشت: ۱- هشدار به پیامبر برای پیروی نکردن از یهود. ۲- افشای توطئه یهودیان. ۳- اشاره به مجازات بعضی از گناهان اهل کتاب در آخرت، چون جزای همه گناهان در دنیا داده نمی شود، بلکه بعضی از گناهان در آخرت مجازاتشان داده می شود. وقتی رؤسای یهود از اجرای این نقشه ناامید شدند، تلاش کردند مسلمانان دیگر را از حق منحرف کنند، حتی یاران بسیار نزدیک پیامبر، مثل معاذ بن جبل، حذیفه و عمار بن یاسر. اگر در این کار موفق می شدند، ضربه سنگینی به اسلام وارد می شد. در این هنگام آیه ۶۹ سوره آل عمران نازل شد. در این آیه خداوند می فرماید: یهودیان می خواستند شمارا گمراه کنند، اما با نسبت دادن خلاف ها به رسول خدا، روح تنفر و بدبینی را در خود پرورش دادند و نقاط مثبت را نادیده و هر روز بیشتر از اسلام فاصله گرفتند. از دیگر اعمال یهود تخریب شخصیت های مسلمان بود. آنها سعی کردند شخصیت های دینی یعنی پیامبر و پیروانش را در نظر مردم حقیر جلوه دهند و نسبت های ناروا به آنها بزنند تا اعتبار آنها در بین مردم از بین برود. حتی عده ای شاعر ماهر را اجیر کردند، یکی از این شاعران کعب ابن اشرف بود، که بسیار بد زبان و کینه توز بود. او زشتی را به جایی رساند که پیامبر دستور قتل او را صادر کرد. مفسرین عقیده دارند آیه ۱۸۶ سوره آل عمران در این باره نازل شده است. لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَشِيعَنَّ الَّذِينَ أَوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. خداوند در این آیه زخم زبانها را آزمایش از طرف خداوند معرفی می کند. یهودیان حتی حقایق روشنی را که در کتابهای آسمانی از جمله تورات درباره پیامبر وجود دارد را آگاهانه مخفی کردند، با این کار بزرگترین خیانت را به بشریت کردند. خداوند در آیه ۱۵۹ سوره بقره این کتمان کنندگان حقیقت را لعنت می کند. خداوند در آیه ۱۴۶ سوره بقره می فرماید: آنها (یهودیان) پیامبر را مثل فرزندان خود می شناختند، منظور عبدالله بن سلام است؛ یهودی که مسلمان شد و می گفت: من پیامبر را بهتر از فرزندان خود می شناسم. علمای یهودی قبل از بعثت پیامبر، نشانه های او را (که در تورات آمده بود) برای مردم عادی بازگو می کردند و این مردم عادی هم، وقتی مسلمانان رامی دیدند، این نشانه ها را بازگو می کردند، اما بزرگان یهودی که موقعیت خود را در خطر می دیدند، به علت خودخواهی و دنیاطلبی آنها را از این کار منع می کردند، درحالی که علمای یهود حقیقت را می دانستند، آن را پنهان می کردند. آیات ۷۶، ۷۷ و ۸۹ سوره بقره در این باره نازل شد. خداوند در این آیات می فرماید: آنها می گفتند اگر این نشانه ها را

بازگو نکنیم، در قیامت مسلمانان علیه ما دستاویزی نخواهند داشت. هم چنین می فرماید: آیا آنها نمی دانند که خداوند از پنهان و آشکار آنها مطلع است؟ از دیگر توطئه های فرهنگی یهود این است که آنها تورات را تحریف کردند مخصوصاً قسمت های مربوط به صفات پیامبر را. عوام یهود هم بی تفصیر نبودند، چون امام صادق (ع) در حدیثی می فرماید: عوام یهود به دروغ گویی و حرام خواری و رشوه خواری و فسق علمای خود، آگاهی داشتند، بنابراین نباید از آن پیروی می کردند. یهودیان لغات و کلمات مسلمانان را تمسخر می کردند، مثلاً موقع بیان احکام و تلاوت آیات قرآن توسط پیامبر، عده ای از مسلمانان با گفتن کلمه - راعنا- از پیامبر می خواستند که کمی تأمل کند، ولی یهود معنای دیگر این کلمه (ما را تحقیق کن) را برای تمسخر به کار می بردند، در این موقع آیه ۱۰۴ سوره بقره نازل شد که می فرماید: مسلمانان به جای این کلمه از کلمه اَنْظُرْنَا استفاده کنند. سران یهود مدینه برای اینکه از قدرت اسلام کم کنند، یهودیان تازه مسلمان را تویخ می کردند: مثلاً وقتی عبدالله بن سلام مسلمان شد، از پیامبر خواست بدون آشکار کردن مسلمان شدن او، نزد قبیله اش برود و از آنها درباره شخصیت عبدالله بن سلام اعتراف بگیرد. قبیله اش به پیامبر گفتند: اودانشمند و پرهیزکار است، اما وقتی فهمیدند او مسلمان شده، گفتند: او نادان و فاسق است. یهودیان بهانه جویی می کردند: از پیامبر معجزه قربانی و سوختن آن با آتش را خواستند، در حالی که پیامبرانی مثل ذکریا و یحیی که این کار را انجام دادند، توسط بنی اسرائیل کشته شدند، آیه ۱۸۳ سوره آل عمران به این موضوع اشاره دارد. بعضی از مفسرین قربانی سوخته را یک سنت مذهبی می دانند که شرح آن در تورات (فصل اول سفر لایوان) آمده است. تفسیر نمونه این عقیده را رد می کند، زیرا کشتن حیوان و سوزاندن آن یک عمل خرافی است نه یک دستور الهی. یهودیان بهانه جویی را به نوعی دیگر دنبال می کردند، از پیامبر خواستند قرآن هم مثل تورات یک باره نازل شود، در صورتی که این یک بهانه بود، چون فلسفه و علت نزول کتب آسمانی هدایت است که این هدایت گاهی به وسیله نزول یک باره و گاهی به صورت نزول تدریجی انجام می شود. یهود در گذشته نیز خواسته های غیر معقولی داشتند، مثلاً خواستند خداوند را با چشم ببینند، در نتیجه خداوند آنان را باصافه مجازات کرد.

نمونه هایی از کارشکنی های اعتقادی و اقتصادی یهودیان علیه پیامبر

نمونه هایی از کارشکنی های اعتقادی و اقتصادی یهودیان علیه پیامبر عبارت اند از: یهودیان در زمینه اعتقادی هم مشکلاتی ایجاد کردند، مثلاً، یهودیان یکی از علل سرگردانی خود را یکتا پرستی خود می دانند، اما یهود عصر پیامبر به علت لجاجت و دشمنی با پیامبر، اساس دین خود را فراموش کردند و به شرک تمایل پیدا کردند. آنها ترجیح دادند بگویند: خدای دیگری با آنهاست. آنان شخصی به نام عزیر را فرزند خدا می دانستند، چون او تورات را بعد از نابودی از قلب خود بیان کرد و جبرئیل به او آموخت، به همین دلیل او را پسر خدا نامیدند. عده کمی از یهودیان این را گفتند، اما خداوند در آیه ۳۰ سوره توبه این سخن را به همه یهودیان نسبت داد. یهودیان دیگر، این سخن عده کم را انکار نکردند و این نشانه شرک آنان بود. در مورد یکی بودن اعمال عوام و عالمان یهود، امام صادق (ع) می فرماید: عوام یهود احبار و راهبانان را اطاعت می کردند با اینکه آنها حرام ها را حلال و بعضی حلال ها را حرام می کردند. پس بدون اینکه متوجه شوند آنها را می پرستیدند. دلیل دیگر بر شرک یهود دوران پیامبر این بود که آنان می گفتند ما فرزندان خدا هستیم و وقتی پیامبر آنان را از عذاب خدا آگاه کرد، آنها با این گمان که برگزیده خدا هستند، می گفتند: ما را از چه می ترسانی، ما فرزندان خداییم. سوره مائده آیه ۱۸ مربوط به این دعای یهود است. به نظر نویسنده کتاب این ادعای یهودیان به دلیل نژادپرستی، خودپرستی و خود برتر بینی آنان است. یهودیان برای اینکه پیامبر بودن رسول خدا را زیر سؤال ببرند، گفتند: بعد از حضرت موسی پیامبری نیامده است. گروهی از سران یهودی نزد پیامبر خدا رفتند و پرسیدند که ایشان به کدام پیامبران معتقد هستند؟ پیامبر (ص) آیه ۸۴ سوره آل عمران را تلاوت نمود و حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) را در یک ردیف نام برد. یهودیان از جواب پیامبر (ص) خشمگین شدند و گفتند: ما به مسیح و هر که به او مؤمن باشد، ایمان نمی آوریم.

خداوند در آیه ۵۹ سوره مائده از ایشان به نام خارج شدگان از راه حق یاد می کند. به علاوه بیشتر یهودیان به قیامت اعتقاد ندارند. آنها به دو گروه فریسیین و صدوقیین تقسیم می شوند. فریسیین به قیامت اعتقاد دارند، اما صدوقیین به قیامت معتقد نیستند و همه چیز را در جهان مادی خلاصه می کنند. خداوند در آیه ۱۳ سوره ممتحنه مؤمنین را از دوستی با این گروه منع می کند. ویل دورانت در این باره می گوید: یهود به جهان پس از مرگ اعتقاد ندارد و پاداش و کیفر را فقط برای این دنیا می داند. مدت کوتاهی بعد از هجرت پیامبر، سران یهود نزد پیامبر رفته و سعی کردند با مطرح کردن سوالاتی عجز و ناتوانی ایشان را در پاسخ دادن به سوالات نشان دهند. وقتی از پاسخ های پیامبر ناامید شدند، برای آخرین سؤال پرسیدند: کدام فرشته برای تو وحی آورده است؟ پیامبر پاسخ داد جبرئیل. آنها گفتند جبرئیل دشمن ماست، او ویرانگر و خونریز است او همیشه دستورات سخت و مشکل، همین طور دستور جهاد می آورد، پس ما به توایمان نمی آوریم. اگر میکائیل بود ایمان می آوردیم، میکائیل همواره برای رفع گرفتاری و آوردن خوشی نازل می شود. علامه طباطبایی در المیزان این ادعا را رد می کند و می گوید: اولاً جبرئیل به دستور خدا نازل می شود. ثانیاً انسان عاقل پیام هدایت را حتی از دشمن می پذیرد. یهودیان در ادامه مخالفت خود به کارشکنی اقتصادی نیز پرداختند. مهاجران در مدینه با سختی معیشتی روبرو بودند، چون تمام اموال خود را در مکه باقی گذاشته بودند. پیامبر شخصی را فرستاد تا از یهودیان وام بگیرد. یهودیان با آنکه با مسلمانان پیمان صلح داشتند، به تمسخر و طعنه پرداختند. در این موقع وحی الهی نازل شد و به آنان وعده عذاب سوزان را داد. آنها حتی اموالی از مسلمانان را که نزد آنان امانت بود، پس ندادند و گفتند: چون شما از دین خود خارج شده اید، پیش ما امانتی ندارید. از آیات و تفاسیر نتیجه می شود که صفت پیمان شکنی در یهود سابقه تاریخی دارد به جز اقلیتی اندک مثل عبدالله بن سلام، که تعهدات خود را انجام می دادند. خداوند در آیه ۵۷ سوره آل عمران، بین این دو گروه فرقی می گذارد. در ادامه کارشکنی های اقتصادی، یهود مدینه نزد انصار رفتند و آنها را از کمک به مهاجرین نهی کردند. آنها به انصار گفتند: به مهاجرین کمک نکنید، زیرا فقیر خواهید شد.

علت های دعوا

بررسی عوامل کارشکنی یهودیان چهره واقعی این قوم را نشان می دهد، و باعث عبرت افراد حقیقت جو می شود. در تبیین این سخن باید گفت: قوم یهود از اولین کسانی بودند که برای دیدن پیامبر آخرالزمان به مدینه هجرت کردند. آنها سختی های زیادی را تحمل کردند، اما هنگام بعثت پیامبر (ص) خلاف جهت اولیه حرکت کردند و گمراه شدند، عالمان یهودی برای تامین دنیای خود و خوش آیند سلاطین یهود، دین را تحریف کردند. این دنیادوستی امروز هم ادامه دارد. آنها با در اختیار داشتن بیشتر تبلیغات جهان، مواد مخدر و اسلحه های فرسوده انبارهای شان را می فروشند، تا هم فکر ملل دیگر را از کار بیاندازند و هم فریاد عدالت خواهی را خاموش کنند. ژرژ لاملین در کتاب اسرار سازمان مخفی یهود به توطئه های یهود اعتراف می کنند و می گوید: ما با جنگ داخلی که به تدریج به جنگهای اجتماعی تبدیل می شوند، ملت ها را ضعیف می کنیم، تا حس احترام آنان نسبت به خودمان افزایش را دهیم و قراردادهای مالی و اقتصادی خود را بر آنان تحمیل کنیم. یهودیان عصر حاضر هم این جنایت ها را انجام می دهند. خداوند در آیه ۹۶ سوره بقره درباره دنیاطلبی یهود می فرماید: آنها را حریص ترین مردم حتی حریص تر از مشرکان در زندگی خواهی یافت، که هریک از آنها آرزو دارد، هزار سال عمر به او داده شود، در حالی که این عمر طولانی او را از کیفر الهی باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست. از صفات ناپسند یهود مقام پرستی و جاه طلبی است. زمامداران یهود، وقتی دیدند صفات پیامبر با صفاتی که در تورات آمده یکی است برای حفظ مقام و منصب خود، آن حقایق را تغییر دادند و وارونه در تورات نوشتند. مرحوم طبری در تفسیر قسمتی از آیه ۷۸ سوره آل عمران - يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ - می گویند منظور این است که دروغ گفتن برخداوند و گواهی دادن به باطل و ملحق کردن چیزی به آن که جزو آن نیست از روی عمد بوده و یهود

برای ریاست طلبی و دنیاخواهی این کار را انجام داده اند. این دنیاپرستی ها و ناجوانمردی ها تا عصر ما نیز ادامه دارد. به طوری که آدولف هیتلر در کتاب - نبرد من - می گوید: اعمال یهودیان به طور آشکار نشان می داد که غیر از خراب کاری نظری ندارند. یکی دیگر از علل کارشکنی یهود نفای و دورویی آنان بود که در آنها ریشه دوانیده بود و باعث دوری شان از رحمت الهی بود. درباره نفای و دورویی یهود امام حسن عسگری (ع) در روایتی می فرماید: وقتی پیامبر (ص) با معجزه حقانیت خود را اثبات نمود، یهود که بهانه ای نداشتند، ظاهراً ایمان آوردند، اما وقتی نزد قوم خود می رفتند، می گفتند، همانا ما اظهار ایمان نزد او می کنیم برای اینکه با این وسیله هر شری از جانب او بر خودمان را بهتر بتوانیم دفع کنیم و با آگاهی از اسرارشان، دشمنان شان را یاری دهیم. نفای و دورویی یهود فقط مربوط به عصر پیامبر (ص) نیست، بلکه امروزه هم ادامه دارد. یهود در هر جامعه ای خود را در ظاهر با آن هماهنگ می کند، اما در باطن فقط به هدفهای شوم خود می پردازد. کتاب پروتکل های دانشوران صهیون که اسرار یهود را فاش می کند، این موضوع را ثابت می کند. عیاشی و شهوت رانی هم علت دیگر مخالفت یهود با اسلام است، زیرا اسلام در این زمینه محدودیت ایجاد می کند. اولین برخورد فیزیکی یهود با پیامبر (ص) هم به علت همین اعمال منافی علت بود. صفت بد دیگر یهود حسادت آنها بود. آنها وقتی دیدند پیامبر (ص) از نژاد یهود نیست، بلکه از غیر یهود است، نتوانستند، تحمل کنند. در آیه ۱۰۹ سوره بقره، خداوند درباره بسیاری از اهل کتاب می گوید: آنها از روی حسادت آرزو می کردند که مسلمانان بعد از ایمان به کفر برگردند. بعضی از مفسران می گویند: علت حسادت یهود این بود که نبوت از خاندان اسرائیل به خاندان اسماعیل تغییر کرده بود. حسادت امروزه نیز در میان یهود وجود دارد: در پروتکل شماره ۵۵ دانشوران صهیون آمده است: «بذر دشمنی، کینه توزی و حسد را در هر خانه ای کاشته ایم و در این زمینه از تعصبات مذهبی، قبیله ای و غیره استفاده می کنیم.» از صفات دیگر یهود لجاجت آنها بود، به طوری که ابن صوریرا از روی لجبازی گفت: تو (پیامبر ص) چیزی را که برای ما مفهوم باشد، نیاوردی و خداوند نشانه روشنی بر تو نازل نکرده است. بعضی از مفسرین می گویند: آیه ۹۹ سوره بقره در این باره است. خداوند در این باره می فرماید: مانعانه های روشنی برای تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد. به علاوه، علت دیگر کارشکنی یهود این بود که به جهان آخرت ایمان نداشتند. حتی امروزه هم در کتاب تورات که در دست یهودیان است، اشاره ای به جهان آخرت نشده است. یهودیان چون فقط به جهان مادی اعتقاد دارند، برای رسیدن به آن هر کاری می کنند. کینه توزی به خاطر تغییر قبله، علت دیگر کارشکنی یهود بود. پیامبر اسلام (ص) ۱۳ سال در مکه و ۱۷ ماه در مدینه به طرف بیت المقدس نماز خواند، در این مدت یهودیان، مسلمانان را سرزنش می کردند، چرا که قبله مستقلی ندارند؟ وقتی قبله مسلمانان به طرف کعبه تغییر کرد، یهودیان خشمگین شدند. خداوند در آیه ۱۴۲ سوره بقره می فرماید: «بگو مشر و مغرب از آن خداست، خدا هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند.» این آیه قبل از بهانه جویی یهود نازل شده است و معجزه بودن قرآن را نشان می دهد. از آیات قرآن نتیجه می گیریم که تغییر قبله، دو نشانه داشته است: یکی آزمایش مسلمانان و دیگر پاسخ به بهانه جویی یهودیان. داشتن روحیه نژادپرستی علت دیگری بود که آنها را وادار به مخالفت و دشمنی می کرد. آنها بین مردم فاصله طبقاتی ایجاد می کردند تا اشراف دارای امتیاز شوند و حتی حدود الهی در مورد آنها اجرا نشود. مثلاً در زمان پیامبر (ص) زن و مردی مرتکب زنا می شدند، چون از طبقه اشراف بودند، یهودیان می خواستند، حکم سنگ باران که در تورات آمده، برایشان اجرا نشد، حتی آنها پیامبر (ص) را برای داوری انتخاب کردند تا شاید حکم خفیف تری صادر کند، پیامبر با وجود حيله های آنها مطابق دستور الهی فرمان داد آنها سنگ باران شوند. خداوند علت این تمرد را خیال باطلی می داند و می گوید این، تنها، آرزویی است. منظور این است که یهودیان از روی خودخواهی بهشت را هم مخصوص خود می دانند. آنها معتقدند خداوند کارهای ناشایست آنها را می بخشد. قرآن در پاسخ یهودیان می فرماید: «اگر شما این ادعا را دارید، پس آرزوی مرگ کنید، اگر راست می گوید.» یهود که می دانستند دروغ می گویند دیگر چنین ادعایی نکردند. یهودیان در ابتدا فکر نمی کردند اسلام با این سرعت پیشرفت کند، در ضمن آنها می

خواستند از اسلام برای منافع خود بهره برداری کنند، برای همین، بعد از مشاهده پیروزی های مسلمانان بخصوص پیروزی در جنگ بدر خشمگین شدند و از آن به بعد مخالفت خود را علنی کردند. خداوند در کوه طور از یهودیان قول گرفته بود که به دستورات تورات عمل کنند، و به پیامبر موعود که نشانه هایش، و مژده آمدنش در تورات آمده بود، ایمان بیاورند، اما آنها تمرد کردند.

نتایج کار

در وهله اول به نظر می رسد کارشکنی یهود فقط نتیجه منفی داشته است، اما اعمال آنها نتایج مثبتی هم داشت. پی آمدهای مثبت کارشکنی های یهود: ۱- درستی آیه های قرآن درباره یهود ثابت شد، و ایمان تازه مسلمانان محکم شد. ۲- افراد فاسد و خطرناک از اطراف مسلمانان پاک شدند. چون پیامبر (ص) براساس پیمان نامه با کارشکنان رفتار می کرد، و البته نتیجه و اثر هر عملی به خود یهودیان برگشت. به بیان دیگر، کارهایی که یهود در زمان پیامبر (ص) انجام دادند، هم اثرات دنیایی داشت و هم نتایج اخروی. برخوردی که یهودیان با پیامبر (ص) کردند در زندگی دنیایی آنها آثاری داشت. مثلاً تبعید به مناطق دیگر و آوارگی دردشت و بیابان با خواری و زبونی. خداوند هم در قرآن بر این خواری تاکید می کند و در باره علت آن می فرماید: «چرا که آنان به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند، اینها به خاطر آن است که گناه کردند و تجاوز نمودند.» خواری و آوارگی یهود به علت این است که وقتی دیگران به آنها مسلط می شوند با آنها هم پیمان می شوند، ولی وقتی احساس قدرت می کنند، همه عهد و پیمان ها را زیر پا می گذارند. گمراهی از راه حق هم از نتایج خلاف کاریهای آنهاست. خداوند در آیه ۹۰ سوره آل عمران در این باره می فرماید: «کسانی که پس از ایمان کافر شوند و سپس بر کفر خودافزوند، هیچ گاه توبه آنها قبول نمی شود و آنها گمراهان واقعی هستند.» علامه طباطبایی در کتاب المیزان می گوید: این آیه درباره اهل کتاب است. بعضی دیگر گفته اند: این آیه درباره یهود نازل شده است، که اول به حضرت عیسی (ع) کفر ورزیدند و سپس کفر خود را زیاد کرده به پیامبر اسلام (ص) نیز کافر شدند. علامه طباطبایی درباره علت گمراهی اهل کتاب از توحید می گوید: علت این گمراهی، مبلغین دنیاطلب یهود و مسیح بودند، در ادامه می گوید: «این دودین در حقیقت دو شعبه از آیین بت پرستی هستند.» بنابراین یهودیان نه تنها خودشان منحرف شدند، بلکه زمینه انحراف دیگران را هم فراهم کردند. امروزه هم عامل خیلی از فسادها و فحشاها صهیونیست ها هستند. یهود به علت نافرمانی خود مستحق عذاب آخرت هستند. البته خداوند افراد صالح و پرهیزکار یهود را مجازات نمی کند. بعضی از مفسرین عقیده دارند، در سوره حمد، منظور از کسانی که مورد غضب الهی واقع شده اند، قوم یهود است. کارشکنی های یهود، نتایج منفی دیگری هم برای مسلمانان داشت. شبهه افکنی و القای بعضی افکار باطل، خرافات و تحریف تورات از جمله این نتایج است، که باعث شک و تردید در مسلمانان و یهود می شد. از دیگر کارهای خلاف یهود وارد کردن اسرائیلیات در بین روایات اسلامی بود. بدعت قصه گویی از سوی آنان رایج شد، به صورت حرفه درآمد و در این چیزهایی که در شأن علم و اخلا نبود، وارد کردند. کسانی مثل کعب الاحبار، عبدالله عمرو بن عاص و ابوهریره، خرافات و دروغ پردازی را در بین مردم انتشار دادند. این عمل تا حدودی موفق بود و پیامبر (ص) مدت زیادی از عمر با برکت خود را صرف این شبهات کردند. یهودیان سعی می کردند نفوذ در مدینه را تقویت کنند تا اتحاد مسلمانان را از بین ببرند. آنان به قدری منافقین را تقویت می کردند، که عبدالله بن ابی سدرسته منافقان از یهودیان حمایت می کرد. وقتی رسول خدا (ص) یهودیان را به علت پیمان شکنی مجازات می کرد، به کفار پناه می بردند و آنها را تایید می کردند. بت پرستان هم که یهودیان را دانا می دانستند با روحیه بالاتری با مسلمانان مبارزه می کردند. کارشکنی های یهود در عصر پیامبر مانع گسترش اسلام بود، شاید اگر این کارشکنی ها نبود، اسلام در زمان حیات پیامبر (ص) به نقاط دوردست جهان هم می رسید و بعد از رحلت پیامبر آن همه مشکلات پیش نمی آمد، مسلمانان قبل اسلام با

یهودیان پیمان و دوستی قدیمی داشتند، به همین علت اسرار محرمانه خود را به آنها می گفتند و همین باعث شکست برنامه های مسلمانان می شد. سران یهود در زمینه اخلاقی و ارزشی هم کارشکنی کردند. مثلاً افرادی مثل کعب بن اشرف و زنی به نام عصما رامامور کردند تا برای هتک حرمت زنان مسلمان شعر بگویند، چون شعر در آن زمان ارزش و اهمیت زیادی داشت باعث ضعیف شدن روحیه مسلمانان می شد، در نتیجه پیامبر (ص) با آنها برخورد شدیدی کرد.

گام های برخورد

پیامبر برای برقراری آرامش و امنیت در مدینه، پیمان نامه هایی امضاء نموده و به ادیان الهی دیگر آزادی عقیده داد. پیامبر (ص) مدینه را حرم اعلام کرد، و دستور داد مردم در امور اجتماعی همکاری کنند. البته در این پیمان نامه ها گناهکاران و ستمگران استثناء بودند. این پیمان نامه ها از هر جهت به نفع اسلام بود، چون مسلمانان با دشمنان خود اتمام حجت می کردند و مدتی از توطئه آنان در امان بودند. پیامبر (ص) به یهودیان خیبر نامه نوشتند و آنان را دعوت کردند تا به فطرت و حق برگردند، نشانه های پیامبری خود و مسلمانان را که در تورات آمده بود، تذکر دادند. بعد آنها را به چیزهایی که برایشان مقدس است، قسم دادند و فرمودند: «اگر در تورات می یابید که به محمد (ص) ایمان بیاورید، ما شما را به سوی خدا و پیامبر او دعوت می کنیم. پیامبر (ص) در تمام مدت بر اساس پیمان نامه ها با یهودیان رفتار می کردند. پیامبر (ص) سعی می کرد با تاکید بر نقاط مشترک ادیان بین آنها اتحاد ایجاد کند. پیامبر برای دعوت به توحید واقعی (کلمه سواء) زحمات زیادی کشیدند. اما اهل کتاب از مسیر توحید منحرف شدند. اهل کتاب هم در مکه و هم در مدینه برای کارشکنی با پیامبر (ص) بحث و مناظره می کردند. آنها می خواستند محبوبیت پیامبر را کم کنند، اما چون پیامبر به منبع علم یعنی خداوند متصل بود، این بحث و مناظره بر حق بودن او را ثابت می کرد. در این بحث ها پرسش هایی مطرح می شد. از جمله چگونگی خلقت یعنی خداوند متعال. دانشمندان یهود نزد پیامبر (ص) رفته می پرسیدند این مخلوقات را خدا آفریده است پس خدا را چه کسی آفریده است. پیامبر از هدف آنها آگاه شد و خشمگین شد، اما جبرئیل نازل شد و آیات سوره توحید را بیان کرد. سپس علمای یهود پرسیدند: کیفیت خلقت توسط خدا چگونه بوده و منظور از دست خدا چیست؟ رسول خدا بر آشتی، جبرئیل برای دومین بار نازل شد و آیه ۶۷ سوره زمر را تلاوت کرد. خدا در این آیه می فرماید: «آنها خدا را آنگونه که شایسته است، نشناخته اند، در حالیکه تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانهای پیچیده در دست او، خداوند منزّه و برتر است از شریک هایی که برای او می پندارند. علت ناراحتی پیامبر در برابر سؤالات یهود این بود که آنها عالمان یهود بودند و بر کتابهای دینی آگاهی کامل داشتند و جواب بسیاری از این سؤالات را می دانستند. این سؤالات برای خوار کردن رسول خدا و گمراهی مردم عادی بود. روزی افرادی از پنج دین: یهود، نصاری، دهریه، ثنویه و مشرکان عرب نزد پیامبر آمدند و گفتند: ما می گوییم عزیر فرزند خداست و می خواهیم نظر شما را بپرسیم. پیامبر فرمود من به خدای یگانه ایمان آوردم و اگر شما برای عزیر کرامتی قائل هستید و می گوئید او فرزند خداست پس باید برای حضرت موسی که برای اولین بار تورات را آورد، کرامت بزرگتری قائل باشید، و اگر منظور شما از رابطه فرزند، رابطه فرزند زمینی است به معنی زادن و زاده شدن، پس برای خداوند، آفریننده قائل هستید و این کفر است. بعد از این پاسخ محکم یهود گفتند: ما را رها کن تا فکر کنیم. قضیه دیگر این بود که روزی یهود و نصاری نزد پیامبر رفته گفتند: بین ما داوری کن. پیامبر (ص) فرمود داستان خود را بگوئید: یهود و نصاری هر یک در مورد دیگری گفتند: ما به خدای واحد حکیم و اولیای او ایمان داریم و دیگری (یهود یا نصاری) بر چیزی از دین و حق نیستند. پیامبر فرمود: هر دو شما خلاف کار، فاسق و کافر هستید. آنها گفتند ما به تورات و انجیل ایمان داریم پس چگونه کافریم؟ پیامبر فرمود: این دو کتاب برای راهنمایی شما و نجات از سرگردانی نازل شده اند، اگر به آن عمل نکنید موجب بدبختی شماست و گناهکار خواهید بود. پاسخ دیگری که پیامبر (ص) به کارشکنی های یهود داد این بود که از تحدی

استفاده کرد، یعنی آنها را دعوت کرد اگر می‌توانند مانند قرآن سوره یا آیه ای بیاورند، زیرا پیامبران الهی برای اثبات پیامبری خود معجزاتی دارند، معجزه پیامبر اسلام نیز قرآن کریم است. پس پیامبر برای اثبات حقانیت خود از قرآن استفاده نمود. خداوند در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره بقره می‌فرماید: اگر می‌توانید مثل قرآن سوره ای بیاورید. هم چنین در روایتی از امام حسن عسکری (ع) آمده است، خداوند متعال می‌فرماید: اگر در آنچه محمد (ص) می‌گوید، شک دارید سوره ای مانند قرآن از تورات، انجیل، زبور و صحف ابراهیم بیاورید. این عمل یعنی دعوت به مقابله به مثل تحدی نام دارد، این تحدی نه تنها در مکه و مدینه یعنی در زمان پیامبر (ص) بلکه امروز هم ادامه دارد و برای همه زمانهاست. روش دیگر پیامبر در برخورد با کارشکنی‌ها موعظه و ارشاد آنها بود. وقتی پیامبر (ص) متوجه شد که یهود به عهد خود وفادار نیست و قصد فتنه دارد، آنها را در بازارشان جمع کرد و فرمود: ای گروه یهود بترسید که همان غذایی که به قریش نازل آمد بر سر شما نازل شود. یهود بنی قینقاع پاسخ دادند: از اینکه با مردم بی خبر از فنون جنگی، برخورد کردی مغرور نباش، تو توان رویارویی با ما را نداری. در این وقت آیه ای از سوره انفال نازل شد که تکلیف پیامبر را روشن کرد. خداوند در این آیه می‌فرماید: به طور عادلانه به آنان اعلام کن که پیمانشان لغو شده است، زیرا خداوند خائن را دوست ندارد. از کارشکنی‌های یهود فساد فرهنگی و اخلاقی بود، پیامبر برای نابودی فساد، کارهای جدی انجام داد. پیامبر (ص) ابتدا یهود را هم به اسلام دعوت کردند، اما وقتی آنها پیمان شکنی کرده و فتنه و آشوب ایجاد کردند، پیامبر فرمان جهاد و مبارزه مسلحانه را صادر کرد. البته فرمان جهاد فقط مخصوص یهود نبود و هر قبیله ای را که پیمان شکنی می‌کرد، شامل بود. بر اساس پیمان نامه، اگر قبیله ای پیمان شکنی می‌کرد، باید مجازات می‌شد و مجازات برای مردان اعدام و برای زنان و فرزندان اسارت بود، بعضی قبایل هم مجازات کمتری می‌شدند و تنها از جامعه مسلمانان اخراج می‌شدند.

سرانجام

بیشترین دلیل انحراف و گمراهی یهود خودبرتربینی و نژادپرستی آنان است که باعث شد چشم خود را روی حقیقت ببندند و واقعیت‌های مسلم را نادیده بگیرند و انکار کنند. دنیاپرستی آنان دلیل دیگری برای سقوط آنها در دره گمراهی بود. عده ای از آنها سختی‌های زیادی کشیدند تا پیامبر آخرالزمان را ببینند، اما اطاعت از هوای نفس تمام زحمات آنها را به باد داد. می‌توان از تغییر رویه ناگهانی یهود این طور نتیجه گرفت که تعدادی از آنها منتظر پیامبر خدا نبودند، بلکه کسی را می‌خواستند که در دنیا طلبی و خودخواهی، فرصت بیشتری به ایشان بدهد و ثابت کند آنها قوم برگزیده هستند. با توجه به آنچه گفته شد با وجودی که یهود پیمان نامه‌ها را نقض کردند، نتایج مثبتی هم به بار آمد. از این موضوع می‌توان فهمید باید در برخورد با افراد یا دسته‌های کارشکن ابتدا از راه صلح و مدارا وارد شد. با کمی دقت می‌توان دریافت عملکرد یهود در برابر مسلمین و اسلام در عصر حاضر مانند عملکرد آنان در عصر رسول خداست. با این تفاوت که حوزه فعالیت آنها وسیعتر و امکانات شان عظیم تر شده است، آنها بیش از پیش، از راه حق فاصله گرفته‌اند و مانند کسی که در مردابی در حال غرق شدن است، دیگر ملتها را نیز می‌خواهند با خود غرق کنند، اما هر چه قدر آنها قدرت بگیرند، پیروزی نهایی از آن حق و حقیقت است و هرگز حقیقت برای همیشه پنهان نمی‌ماند و عاقبت چهره واقعی آنها برای مردم جهان آشکار خواهد شد. وظیفه مسلمانان این است که به خودسازی فردی و اجتماعی بپردازند و در راه خداوند صبور و شکیبا باشند. البته تنها یهود نیست که برای اسلام خطر آفرین است بلکه هر مکتبی که توسط افراد سود جو تحریف شود، برای سعادت بشر خطر آفرین است پس باید یک مسلمان با دقت و تیزبینی و مطالعه صحیح حق را از باطل تشخیص دهد و با مراجعه به دستورات خداوند و عقل و فطرت خود راه راست را بیابد.

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹